



## رویکردی به قرآن

# تئاتر: پلی میان مسیحیت و اسلام

پیکتوریا رو (استاد دانشگاه سن خوزه)- آمریکا  
مترجم: مهسا عطا خرمی

که در اینجا پیش می‌آید، این است که چه نیرویی یک کارگردان تئاتر غیرمسلمان را برابر آن می‌دارد تا پرده‌ای از نمایش درباره قرآن خلق کند؟ و چگونه شخصی می‌تواند سنتی مذهبی را که متصلی به آن ندارد، به نمایش بکارد؟

من در دانشگاهی دولتی؛ مطالعات مذهبی تدریس می‌کنم و برای کمک به دانشجویان از تئاتر به منظور درک تجربه مذهبی بهره می‌گیرم. بهره گیری از تئاتر در کلاس‌های درس من؛ دانشجویان را برمی‌انگیزد. از برگردان متن‌های دینی و به نمایش درآوردن آنها؛ بداهه‌سرایی و نمایشنامه‌نویسی راه‌هایی برای تجربه کردن پندرارها، داستان‌ها و متن‌های مذهبی دینی خاص است.

کتاب من با عنوان «نمایش مذاهیه: تئاتر به منزله تعلیم و تربیت در مطالعات بینی»، که چند سال پیش توسط انتشارات Pilgrim به چاپ رسید، اصول و تعریف کاربرد تئاتر در تدریس مذهبی را در اختیار استادان قرار می‌هد.

دوستان عزیز، همان طور که آگوستو پیوآل گفته است: «تئاتر تربیتی برای انقلاب است»، آنچه در اینجا از آن سخن می‌گوییم و بدان عمل می‌کنیم؛ همانند چیزی است که در مذهب از آن سخن می‌گوییم و در هنر نمایش آن را ایفا می‌کنیم؛ تمرین برای ایجاد جهانی که مایل به رؤیت آن هستیم.

ما از وطن مان خارج می‌شویم و در اینجا؛ در تهران گرد  
هم می‌آیم تا شاهد درد و رنج خاورمیانه باشیم. مردمان هر  
روز می‌کوشند تا زنده بمانند و جهانی پُر از صلح را به تصویر  
بکشند و این تاثر است که می‌تواند به ما یاری برساند تا آینده  
خویش را تصور کنیم. تاثر است که به وسیله آن عقاید و  
ایده‌های مذهبی را به نمایش می‌توانیم بگذاریم. تاثر تعریفی  
برای دگرگونی است. از دریچه تاثر است که می‌توان پُل‌هایی به  
سوی مذاهب دیگر ساخت.

من از دیدگاه یک طلبه مسیحی فمیسیست که کارگردان تئاتر نیز هست؛ سخن می‌گیریم. من دانشمند علوم اسلامی نیستم. سوالی

است: هنگامی که خداوند؛ توسط وحی با جهان ما ارتباط برقرار می‌سازد؛ این روح است که فراخوانده می‌شود.  
اما چگونه روح را بر صحنه می‌توان به تصویر کشید؟  
چگونه یک کارگردان تاثر که از قضا فمیست و کاتولیک نیز هست؛ روح را در قرآن مجسم می‌کند؟  
در بروشورهایی که من فراهم آورده‌ام؛ شما ترجمة سلز از سوره ۹۷ یعنی «قدر» را خواهید خواند. تجربه همه جانبی وحی به حضرت محمد (ص) (PBUH) سرآغاز اشتیاق من بود.  
شش سال پیش در دفتر کار نشسته و غرق شنیدن صفحه‌ای از تلاوت قرآن بودم. در یک آن؛ دفتر کار به کلی تغییر یافت و از صدایی سودایی و ناذف (حاج ماریا / لفاف) سرشار شد. من حیران نشسته بودم. چنین به نظرم می‌رسید که کسی پس گرینم را گرفته و به من فرمان داده و می‌دهد: «گوش فرا بد». پیش از آن هر کز نشینیده بودم که زنی قرآن تلاوت کند و برای لحظه‌ای برایم؛ ذات باری تعالی، در صوتزنی تجسم بخشیده شد.  
در تعالیم فمیستی مسیحی، داشتمندانی چون «البیات شوسلر فیورترزا» و «البیات جانسن»، به فراوانی درباره به تصویر کشیدن خداوند، آن گونه که در بر دارنده همه چیز است، خصوصاً استفاده از اشکالی، که شامل تجربه‌ای زنانه است، نوشته‌اند.  
در اسلام؛ کار داشتمند اسلامی فمیست/منیه و دور<sup>۱</sup> حاکی از ضرورت همین دیدگاه یکسان است:  
«یک متن آسمانی باید بر محدودیت طبیعی زبان گفت و گوی بشتری استیلا یابد. کسانی که استیلا می‌کنند را آن نمی‌تواند ترجمه شود؛ معقیدند که رابطه‌ای جدا شدنی میان زبان عربی و اصل پیام وجود دارد. تمايز جنسیت - یک نقصان ذاتی - ضروری برای گفت و گوی انسانی در زبان عربی، مغلوب متن شده است تا هدف خویش از ارشاد همگانی را به انجام برساند».  
اما آشنایی با مخاطبان کالیفرنیایی، برای نمودن داستان وحی حضرت محمد (ص) توسط فرشته جبرئیل، قطعاً کافی نبود. در نتیجه، به منظور برقراری ارتباط شان با تجربه پیامبر اسلام، می‌دانستم آنها به داستان دیگری که قادر به درک آن هستند؛ نیازمندند.

حرکت به سوی درهای گشوده شده تجربه مذهبی و ایجاد پل‌هایی میان دیگر مذاهب؛ باعث برانگیختگی و شاید هم سوق یافتن من به سوی خلق نمایشی در سال ۲۰۰۵ شد که به بررسی سه سوره از قرآن کریم می‌پردازد. آن را «رویکردی به قرآن» نامیدیم. هدف من؛ همسو با دانشجویان؛ جلب توجه تماشاچیان به قرآن و پدید آوردن تجربه‌ای از این کتاب مقدس بود. اما در سانانتا کروز کالیفرنیا؛ می‌دانستم که تماشاچیان حتماً آگاهی بسیار اندکی نسبت به موضوع دارند.  
برای خلق متن؛ تحقیقاتم را به سوی آثار مایکل سلز<sup>۲</sup> کشانید. مطالعات او در زبان و نحوه کفتار سنت‌های قرآنی؛ طرح‌های بسیاری را عرضه می‌دارد، به ویژه بررسی او در مورد واژه روح «الهاب» بخش کارم شد.  
ممکن است اتفاقی نباشد که «روح»، یکی از واژگان مکرر در زبان عربی، می‌تواند هم مؤنث باشد و هم مذکور. در قرآن کریم این کلمه حداقل دو نقش دارد؛ بر جسته کردن و برقراری ارتباط میان شخصادها؛ مثل زندگی بینیوی و اخروی؛ نز و ماده؛ روز و شب. این تضادها نشان‌هایی هستند که به مفهوم عمیق‌تری اشاره می‌کنند. یکانگی خداوند که برتر از آنهاست.  
با پیروی از مایکل سلز؛ برنامه تاثر ما گشودن حدود عقلی روح بود. یکی از راههای مواجهه با روح؛ عمل وحی است. همان ماهیتی که در جهان جاودانی و متعالی است. سرانجام اینکه چگونه وحی می‌تواند ابلاغ شود. هم سلز و هم برنامه ما؛ از آن حکایت می‌کرد که این روح است که با آوردن وحی به نوع انسان نازل می‌شود. تفسیرهای سوره ۹۷ (قدر)، می‌نماید که روح به صورت فردی و جنسیتی در مقام جبرئیل ظاهر می‌شود. تفسیرهای دیگر بیانگر آن است که در همان سوره روح فاقد حیات و خود همان قرآن است. در مسیحیت؛ در سرود موقفيت؛ فرشته‌ای به حضرت مریم بارداری وی و تولد حضرت مسیح را اعلام می‌کند. بنابر سنت؛ در تابلو نقاشی‌های موجود از ال‌کرکو<sup>۳</sup> تا اریچی<sup>۴</sup>؛ این فرشته به صورت مذکور به تصویر در آمده است.  
آنچه نمایش می‌نمایشند - همچنان که سلز نیز بیان می‌دارد - بازمی‌گوید و در قرآن کریم و مسیحیت نیز عنوان شده؛ این

دو چالش رو به رو بودیم: ۱- چگونه خود او را نشان دهیم؟  
۲- چگونه رابطه اش با جبرئیل را به تصویر کشیم؟

بازیگر نقش [پوش] حضرت محمد (ص) شخصی ایرانی-آمریکایی بود. او تصویری از حضرت محمد (ص) را به من نشان داد. به رغم عقیده‌ای که می‌گویند نباید تصویری از وی وجود داشته باشد<sup>A</sup> با تحقیقاتی که انجام دادم، دریافتم بهترین چیزی که در این باره می‌توان گفت آن است که با وجود قولانی یعنی که هنر تصویرگری را منع می‌کنند؛ اما آن قولانین در همه میانها در سراسر جهان اسلام احتمال نداشته

هدف راستین ما، به تصویرکشیدن حضرت محمد (ص) با رعایت همه احترامی که برای شخصیت او قائلیم، بود. و من معتقدم که ما او را به تصویر کشیدیم، آنچه توسط هنرمند پازیگر - بابک - عینیت بخشیده شد، این است که محمد انسانی است عیقاً سرشوار از نیایش که عیادت‌هایش با تعالی روح از طریق فرشته جبرئیل آشکار می‌شود.

ما جبریل را در هیات زن نمایش دادیم. این جبریل زن نما ممکن است شما را به یاد فرشته‌ای از فرشتگان توفی کوشتر<sup>۱</sup> در آمریکا بیناندازد. فرشته‌ای که به خوبی جان بخشیده شده و به زیبایی موثر است. در ابتدا پیامبر (ص) غرق در وحشتی قابل درک (طبیعی) در برابر این زیبایی و قدرت است. لحظاتی بعد او در شوری (جنبه‌ای) بی‌کران رها می‌شود، آنگاه که شبح چشمها و گوش‌هایش را از درخشنده خویش سروشار می‌سازد. هنگامی که به سوره ۱۹ (سوره حضرت مریم) مراجعه می‌کنیم؛ در آیات مربوط به دریافت حضرت مریم از مسیح(ع)، حقیقتاً ویژگی‌های صوری سوره ۹۷ را عینتاً می‌بینیم. دقیقاً همانند پیامبر اسلام؛ مریم در حال عبادت است که جبریل ناگهان بر او ظاهر می‌شود. اکنون این مریم است که غرق در هراس و وحشت است. اما این بار جبریل مذکور است. او فریاد می‌زند: «امید است که بر هنگ کار باشی».

عکس العمل وی به وضوح روشن است؛ عکس العمل زنی در حضور مردی خارج از عرف اجتماعی، جنان که او نیز همانند حضرت محمد (ص) وحی را درون بدن خویش دریافت کرده باشد.

پشارت - و حی فرشته جبرئیل به حضرت مریم همان داستان دیگر بود که هم در قرآن کریم و هم در انجیل مسیح (ع) آمده است. مایکل سلن شباهاست بین این نوع وحی ترسیم می‌کند؛ «تصویر محض، در سرمهه قدر، شب است که به مثابه زنی شخصیت بخشیده شده است. زنی که حامل پیام نبیو از طریق وحی است. این دریافت در شب قدر - حتی در نوع گفتاری که برای توصیف آن استفاده شده - تقریباً همانند دریافت بارداری مسیح (ع) توسط حضرت مریم از طریق وحی است.

وحقیقت آن است که آن شب به نامش قدر نامگذاری شده، شب اتفاق افتاده و مشاید توسط فرشته‌ای، احتمالاً جبرئیل، ادا شده است.

من به این اندیشیدم که وحی به عنوان یک حقیقت روحی، با  
قابلیت کافی برای آنکه زن یا مرد باشد؛ چه بی‌آمدی می‌توانست  
در ذات خود داشته باشد اگر جبرئیل در هیات زنانه بر حضرت  
محمد (ص) ظاهر می‌شد؟ و اگر هیات مردانه روح بر حضرت  
مریم تجلی می‌کرد، چه نتجه‌های ممکن است؟

جبرئیل به حضرت محمد (ص) می‌گوید: «بخوان، اما آنچه احسان نمی‌شون، آن است که این درخواستی محترمان است. وحی در این حال به یک درخواست بدل شده است، ملتسانه و مهیب. در اینجا: نه تنها فرد مؤثر نیست؛ بلکه به نوعی توسط روح تسخیر شده است. در سرورد اقبال فرشته جبرئیل به حضرت مریم می‌گوید: «روح بر تو نازل خواهد شد و قدرت خداوند متعال با ملازم امیشگی اش تو را در بر خواهد گرفت.»

اساساً وحی جبرئیل به حضرت محمد (ص) و مریم، دریافت پیام است. لحظه یا لحظاتی که در آن، ذات خدایی نوع بشر را بارور می‌کند، محمد (ص) حامل پیام الله است و به تلاوت قرآن هستی می‌بخشد و قرآن خود مظہر ربوبیت می‌شود. از دیدگاه مسیحی نیز، مریم توسط خداوند بارور شده و به مسیح (ع) هستی می‌بخشد.

بنایراین، در پردازه این تئاتر - رویکردی به قرآن - کوشش خویش را به خلق تصویری همانند بین وحی به حضرت محمد(ص) و حضرت مریم معطوف کردیم. در روند آفرینش اثرامن، وحی به حضرت محمد(ص)، با



لار خود را متحمل طور که اکیده بود. کشته شدست نایاب بود و با این اتفاق بخلاف سخن هر تو بوجول عذرخواهی پیشنهاد نمود. با این پیشنهاد مخالفت نمود و از این پیشنهاد برداشت نمود. این اتفاق میان این دو شخصیت اسلامی و ایرانی بود که در آن زمان معاشر اسلامی و ایرانی بودند. این اتفاق میان این دو شخصیت اسلامی و ایرانی بود که در آن زمان معاشر اسلامی و ایرانی بودند. این اتفاق میان این دو شخصیت اسلامی و ایرانی بود که در آن زمان معاشر اسلامی و ایرانی بودند.

سلز را برگزیدم تا روی آن کار کنم؛ از آنجا که این فرصت را در اختیارم قرار می داد تا بر پایه عقایدش و تصورات یک فمینیست؛ روایت سوره‌های قرآن را بنا سازم. فرشته‌ای دوجنسیتی و مریم؛ مسیری قابل مشاهده برای مخاطبان ما بود تا آنها را به سوی «رویکردی به قرآن» برساند. بیگانه‌ای چون من؛ که با بازیگران مسیحی، مسلمان و بودایی کار می کنم، تصویری از قرآن ارایه می دهد که پیوندی برقرار می سازد میان داستان مسیحی ماجراهی حضرت مریم با داستان اسلامی حضرت مریم و دوران وحی حضرت محمد (ص) و نزول قرآن. باختین<sup>۱۱</sup> ارزش دیدگاه یک بیگانه را این‌گونه مطرح می کنم:

عقیده‌ای بسیار قوی، اما یک بحدی و در نتیجه غیرقابل اعتماد وجود دارد که برای درک بهتر یک فرهنگ بیگانه؛ فرد باید داخل آن فرهنگ شود، در حالی که فرهنگ خویش را به فراموشی می‌سپارد و جهان را از دریچه این فرهنگ بیگانه می‌بیند. اما شناخت خلاقانه از خود دوری نمی‌جوید، موقعیت خویش را در حال و همین طور فرهنگ خود را انکار نمی‌کند و چیزی را نیز به فراموشی نمی‌سپارد. آنچه در این بسیار مهم است، آن است که شخصی که می‌خواهد به شناخت برسد؛ باید بیرون از هدف خویش - که همان شناخت خلاقانه است - در زمان، مکان و فرهنگ قرار گیرد.

**گزیده‌هایی از متن نمایش «رویکردی به قرآن»  
نویسنده و کارگردان: دکتر ویکتوریا رو  
سوره ۹۷: قدر**

براساس ترجمه: مایکل سلز  
کلیه بازیگران: به نام خداوند بخشاینده مهریان،  
الله و جبرئیل: ما قرآن را نازل کردیم،

الله: در شب قدر،

محمد(ص): در شب قدر،

الله و جبرئیل: و آنچه ما می‌توانیم از شب قدر برای تو بازگوییم:

محمد(ص): و شب قدر والاتر از هزار ماه است.

الله: آن شب (لیل)،

آنچه تماشاچیان ما شاهد آن بودند، این بود که بازیگر نقش [پوش] محمد (ص)، اکنون فرشته جبرئیل است و بازیگر زنی که نقش جبرئیل را در وحی به وی ایفا کرده بود، اکنون مریم است. محمد (ص) که خود زیر تأثیر تلاو عالم روحانی در اینجا و حشت‌زده و سپس مذوب بود؛ اکنون به فرشته‌ای حامل جوهر خدایی بدل شده است. چنان که جبرئیل (زن) که در گوش‌ها، چشم‌ها و قلب حضرت محمد (ص) رخنه کرد؛ اکنون مریم است، کس که وحی را درون بدنش دریافت داشت. امری که ظاهرًا متضاد به نظر می‌رسد؛ اما در حقیقت این گونه نیست. تا پایان نمایش بر آن بودیم روح را در بردارنده گراش‌های انسانی و خدایی (زن و مرد) جدا از تفاوت‌های ظاهری بنماییم و نشان دهیم؛ یکانگی جاودانه عمیقی هر دو را در بر می‌گیرد.

بر روی صحن، حرکت و صدا، چشم، قلب و ذهن را به حرکت در می‌آورد تا بیننده را متوجه دشواری عمیق و ترس آور وحی سازد. نمایش ما در قالب تئاتر لحظه وحی را به انسان می‌نماید، تعالی روحانی (الله) که به تاریخ بشر راه می‌یابد، با اجرای نمایش بیان کردیم که تجربه وحی نزدیکی غیرقابل تصور امر وحشت آور و جذب‌کننده است. تقاریبی که لازمه دریافت وحی است. وحی حضرت محمد (ص) و حضرت مریم هر دو به صورت دریافت بود.

یکی از راههایی که به واسطه آن می‌توانستیم این امر را در نمایش مان مشاهده و درک کنیم؛ نشان دادن وحشت و اضطراب عیقی بود که از نزدیکی (تئاتر) زن و مرد به سبب فرشته زن و محمد (ص) و فرشته مرد و مریم؛ وجود داشت. که در هر کدام به سبب تعالی الله در انسان؛ نتیجه یکسان است. این تئاتر می‌تواند آغازی باشد برای نشان دادن آنچه در جریان وحی می‌گذرد... سرشت جسمانی، نافذ و جان فرسای خداوندی.

در عقب صحن، در پس زمینه هر دو وحی؛ شمایلی از خدای مادر داخل پارچه‌ای توری قرار داشت. به سبب صدور فرمان وحی که توسط جبرئیل منتقل می‌شد؛ حضور او مهمتر از حرکاتش است.

هر دو جبرئیل زن و مرد و خدای مادر؛ برداشت واضحی از ترجمه‌های سنتی قرآنی هستند. اما پس از آن؛ من داشت مایکل



رحمان روزه نذر کرد هام و امروز با هیچ بشری نمی‌توانم سخن  
گفت.

مریم؛ و امروز با هیچ بشری نمی‌توانم سخن گفت.  
(اکنون مریم متوجه نوزاد خویش شده است).  
الله: او کودک خویش را نزد قوم خود برد (به خاطر می‌آورد  
که آن کودک؛ نوزاد او بود و نبود).  
مریم؛ او کودک خویش را نزد قوم خود برد.  
الله و جبرئیل: آنها گفتند: ای مریم، تو کاری شگفت



الله: و صدایی از زیر او را خواند.

جبرئیل: محزون نباش. پرورده‌گارت، مهربان ترین موجودات،  
از زیر پای تو جوی آلبی روان ساخت.

مریم: جویباری ...

(صدای آب، تصویر ویدئویی آب، برای نمایش تولد)

الله: نخل را بجنان تا خرمای تازه چیده برایت فرو ریزد.  
(مریم آنها را گفته می‌شود، اجرا می‌کند و جبرئیل نیز او را  
باری می‌دهد).

الله: پس ای زن؛ بخور و بیاشام و شادمان باش.

جبرئیل: و اگر از آدمیان کسی را دیدی، بگو: برای خداوند



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی

پانویس‌ها:

1. August Boal
2. Michael Sells
3. Spirit
4. El Greco
5. Da vinci
6. Alhajjah Maria Ulfa
7. Elizabeth Schussler Fiorenza
8. Elizabeth Johnson
9. Amina Vadud
10. Tony Kushner
11. Bakhtin